

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران، جوانان عزیز قم، روحانیون، طلاب محترم، علمای بزرگوار، که به این مناسبت بسیار مهم، بار دیگر فضای حسینی‌ی ما را سرشار کردید از شور و عاطفه و احساس و تعقل. یاد آن خاطره‌ی فراموش‌نشده‌ی را، نوزدهم دی ماه ماندگار در تاریخ را، بار دیگر زنده کردید. و تشکر میکنیم از برنامه‌ای که اجرا شد؛ سرود خوش‌مضمونی که برادران و خواهران تکرار کردید و خواندید.

مسئله‌ی نوزدهم دی و به یاد نگهداشتن این خاطره، یک مسئله‌ی صرفاً تکراری یا برخاسته‌ی از عادت نیست؛ یک مسئله‌ی اساسی و اصولی است. همه‌ی مناسبت‌های بزرگ تاریخی ما همین طور است. اولاً نسل جوان و جدید که مسئولیت جوانان آن روز را امروز بر دوش گرفته‌اند، ریشه‌ی تاریخی و سابقه‌ی تاریخی حرکت خودشان را با این یادآوری‌ها می‌شناسند، آن را احساس میکنند؛ ثانیاً قدر مجاهدتهایی که برای رسیدن ملت ایران به امروز تحمل شده است، سختی‌هایی که تحمل شده، خطرهایی که مردم با آن سینه به سینه مواجه شده‌اند، دانسته میشود؛ اینها بیان میشود، روشن میشود که آنچه امروز ملت ایران در اختیار دارند، یک نعمت آسان به دست آمده نیست؛ یک حادثه‌ی تصادفی نیست. «رو خطر کن ز کام شیر - باید گفت ز کام گرگ - بجوی». ملت ایران خطر کردند، زحمت کشیدند، جان دادند، در مقابل پلیس شقی جبار رژیم طاغوت ایستادگی کردند، کشته دادند، شهید دادند، مجروح دادند، تا توانستند این کاروان عظیم مصمم بااراده را به راه بیندازند و به اینجا برسانند. این هم نکته‌ی دوم.

نکته‌ی سوم، درسی است که ما امروز میگیریم. جوانهای عزیز ما آن روز را ندیدند؛ نمیدانند آن روز چه خبر بود. آنهایی که درک کردند، میدانند؛ آن روز ایستادگی در مقابل قدرت ظاهری پر کبکبه و دبدبه‌ی رژیم طاغوت، کار آسانی به نظر نمی‌آمد. اگر به خیلی از این مصلحت‌اندیشان اسیر ظواهر گفته میشد که ملت ایران - به نمونه‌ی مردم قم - میخواهند در مقابل نظام طاغوت پهلوی بایستند و آن را از بین ببرند، پوزخند میزدند؛ میگفتند مگر میشود؟ اما شد. آن چیزی که به نظر محال می‌آمد، هم ممکن شد، هم محقق شد، هم ماندگار شد. این، درس است.....

: .

.

: .

« (1) . « (2) . « (3) .

()

« (4) . « (5) «

: . ! .

: . ! . () .

41 42

(6) . « : .

(7) « »